

سیره‌ی تبلیغی رسول اکرم (ص)

(با محوریت حدیث طیب دوار بطبه)

محمدعلی شمس

طلبه‌ی پایه‌ی نهم جامعه‌ی علمیه‌ی امیرالمؤمنین (ع)

چکیده

نویسنده در این مقاله با محوریت حدیث شریف؛ طیب دوار بطبه به سیره‌ی تبلیغی رسول اکرم (ص) پرداخته است و حکمت، موعظه و جدال احسن را به عنوان ابزارهای تبلیغی آن حضرت می‌داند و عدم توجه به سیره‌ی تبلیغی آن حضرت را یکی از جدی‌ترین آسیب‌های مبلغان دینی در عصر حاضر می‌داند.

کلید واژه‌ها: رسول اکرم (ص)، تبلیغ، مبلغ، شیوه، حکمت، موعظه و جدال

احسن.

مقدمه

طبابت و پزشکی، شامل امراض جسمی و روحی است، از این رهگذر به روشنی پیداست که طب جسد و طب نفس نزدیک به یک‌دیگر و در اعلی مرتبه‌ی تشابه

قرار دارند، تا جایی که بعضی اطباء استشفای بعضی از امراض جسمی را متوقف بر معالجه‌ی امراض نفسی و روحی دانسته‌اند. چه این که مداوای بعضی از امراض روحی را به تدبیر جسدی منوط می‌دانند. در این نمودار نقش اسلام به عنوان دینی که مشتمل بر دستورات نفسانی و جسمانی است حائز اهمیت است. از منظر اسلام صحت روان آدمی بسیار مهم‌تر از صحت جسم انسان قلمداد شده است، بنابراین معالجه‌ی امراض روانی و روحانی در درجه‌ی اول اهمیّت قرار دارد. امیر مؤمنان(ع) در این زمینه بیان جالبی دارد می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ أَلَا وَإِنَّ مِنَ النَّعْمِ سَعَةَ الْمَالِ وَ أَفْضَلُ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص، ۱۴۶، حدیث ۱۳۴ و نیز؛ حسن بن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳ و محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۵۸) به درستی که از بلاها فقر است و از آن بد تر مریضی است و از آن بد تر بیماری دل است و از نعمات الهی است توسعه‌ی در مال و از آن بهتر سلامتی تن و از آن بهتر طهارت قلب از امراض روحی است.»

در این فرمایش بی‌بدیل علی(ع) بدترین بلا را مرض روح و بالاترین نعمت را پرهیز دل و طهارت آن می‌داند که این خود نشان از اهمیّت طب روحانی در آموزه‌های دینی و خبر از نقش آن در زندگی ما می‌دهد. در این میان، قرآن کریم رسیدن به این مرحله از طهارت روح را، در گرو تبعیت انسان از راه‌های هدایت و پیمودن سبیل سلامت می‌داند: **يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** (سوره مائده، آیه ۱۶) «خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آن‌ها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید.»

رهبران الهی؛ انبیا و امامان معصوم، همواره به این مسئله عنایت ویژه داشته و

به درمان بیماران جامعه‌ی بشری می‌پرداختند، امیرالمؤمنین(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه شیوه‌ی تبلیغی رسول اکرم(ص) را چنین بیان فرموده است: «طَيْبُ دَوَاؤِ بَطْنِهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَّةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عَمِي وَ آذَانِ صُمَّ وَ أَلْسِنَةِ بَنِي مُتَتَبِعِ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ.» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۰۷) «طیبی است که در میان بیماران می‌گردد تا دردشان را درمان کند داروها و مرهم‌های خود را مهیا ساخته است و ابزار داغ (جراحی) را آتشین کرده است تا هر زمان که نیاز افتد آن را بر دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های گنگ بزند با داروهای خود در پی یافتن غفلت زدگان است و یا سرگشتگان وادی ضلالت.»

در توصیف خصوصیات نبی مکرم اسلام(ص) و هم‌چنین وصف مکارم اخلاقی سخن بسیار گفته شده است، اما اشاره به زوایای زندگانی نبی مکرم اسلام(ص) از زبان علی(ع) بسیار شنیدنی است و چه پسندیده است که در توصیف شخصیت نبی مکرم اسلام(ص) به سخن و سرای سخن امیرکلام پای نهاده و خوشه‌چین خرمن سخن علوی باشیم. در بیان حضرت امیر(ع) روح انسان هم‌چون جسم او، گرفتار انواع بیماری‌ها می‌شود و برای بهبود و سلامت آن، باید دست به دامن طبیبان روحانی و مسیحا نفسان معنوی شد، و از داروهای ویژه‌ی آن بزرگواران بهره‌مند شد. نکته‌ی مهم در این سخن تعبیر بسیار والای (طَيْبُ دَوَاؤِ بَطْنِهِ ...) است یعنی؛ آن بزرگوار منتظر مراجعه‌ی بیماران نبوده بلکه با داروهای آماده‌ی خود، سراغ بیماران را می‌گرفتند و هر جا که نیاز به دارو بود بیماران را درمان می‌کردند. شایان توجه این‌که در دوازده آیه‌ی قرآن مجید، از بیماری‌های روحی و اخلاقی، تعبیر به مرض شده است؛ از جمله در آیه‌ی دهم سوره‌ی بقره، صفت زشت نفاق را به‌عنوان بیماری قلمداد کرده و درباره‌ی منافقان می‌فرماید: **اِذَا قُلُوبُهُمْ مَرَّضٌ فَرَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ يَأْكُلُوْنَ كَذِبُوْنَ**؛ (سوره‌ی بقره، آیه ۱۰) «در دل‌های آن‌ها نوعی بیماری است و خداوند (به خاطر اصرارشان بر گناه و نفاق) بر بیماری آن‌ها می‌افزاید.» در

جای دیگر، شهوت پرستان را بیمار دلانی معرفی می کند که در کمین زنان باعفت هستند؛ خطاب به همسران پیامبر(ص) می فرماید: **إِذَا نِسَاءُ النَّبِيِّ لَسُنُنٌ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ** **إِنْ اتَّبَعْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا** (سوره ی احزاب، آیه ۳۲) «ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید.» در آیات دیگر نیز به همین معنی و یا حتی وسیع تر از آن، که تمام انحرافات اخلاقی و عقیدتی را فرا می گیرد اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۵) با توجه به مطالب فوق نتیجه می گیریم که تشبیهی در کلام امام علی(ع) به کار رفته است که رسول اکرم(ص) به طیبی تشبیه شده است، طیبی که نه چنان است که به انتظار بیماراش بنشیند و تن بیاساید و انتظار مراجعه بکشد، بلکه چون طیبی که برای مداوای امراض بیمارانش و تجویز نسخه ی شفا بخش بیماران، در گردش است و خود به دنبال بیماران در جستجو است. پیامبر(ص) طیب روح انسان هاست، طیبی که هیچ گاه بین او و بیمارانش ارتباط قطع نمی شود، بلکه بیماران پیوسته به او نیاز دارند. قرآن کریم می فرماید: **الْقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا** (سوره احزاب، آیه ۲۱) یعنی انسان ها همواره نیازمند رسول اکرم(ص) هستند تا به او در مسایل فردی و اجتماعی خودشان اقتدا کنند و رفتار خودشان را با آن الگوی کامل، مقایسه کنند و چنان چه از راه به بیراهه رفتند به واسطه ی شعاع عالم افروز آن وجود نازنین به سوی صراط مستقیم باز گردند.

ابزار های پیامبر در درمان امراض

پیامبر(ص) طیبی است که به نیکی دریافته است که نباید برای مداوای امراض به هر وسیله ی متوسل گردد. پیامبر(ص) در اوج مصیبت و جوش احساسات وقتی که دردانه اش ابراهیم را از دست می دهد در حین تشییع جنازه متوجه خورشید

گرفتگی می‌شود. مردم داد سخن می‌دهند که خورشید نیز در عزای طفل نو پای نبی، لباس ماتم بر تن کرده است، اما رسول مهر و رحمت کسی نیست که برای هدایت مردم از هر وسیله‌ای به نفع هدف خویش استفاده نماید، در این هنگام است که نبی اکرم(ص) بر جمعیت می‌خروشد و صفیر صدایش پرده‌ی پندار دروغین جماعت را می‌درد: این چه سخن پوچ و باطلی است که ساز کرده‌اید و این چه هذیان گزافی است که بر طبل آن می‌کوبید، مرگ ابراهیم من با گرفتگی خورشید کاملاً بی ارتباط است و این تنها نشانه‌ای است از قدرت و عظمت پروردگار. بی‌تردید پیامبر(ص) می‌توانست از نقاط جهل مردم، به نفع پیشبرد منافع خویش استفاده نماید، اما چنین نکرد، بلکه لحظه‌ای از روشن‌گری حق و حقیقت باز نماند، با این همه متأسفانه امروزه کسانی هستند که ذره‌ای انصاف به خرج نداده و پیامبر اکرم(ص) را متهم به سوء استفاده از جهل مردم در جهت منافع و تبلیغ دین می‌کند. لیکن سخن یاهو‌گویان و بافته‌های چنین ابلهانی هرگز نمی‌تواند جلو حقیقت را بگیرد، همان‌گونه که نمی‌توان با کف دست، خورشید را از تابندگی باز داشت.

قرآن کریم شیوه‌ی تبلیغی رسول اکرم(ص) را چنین بیان می‌کند: **ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ**؛ (سوره‌ی نحل، آیه ۱۲۵) «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.»

قرآن کریم در این آیه، به صراحت پیامبر(ص) را جهت هدایت مردم، مسلح به حکمت، موعظه‌ی حسنه و جدال احسن نموده است. بر همین اساس بود که آن بزرگوار حتی در این شایعه سکوت نکرد (کاری که برخی سیاست‌مداران عصر ما می‌کنند)؛ زیرا سکوت او نیز تأییدی بود بر استفاده‌ی ابزاری از غفلت و ناآگاهی مردم در جهت منافع شخصی خود، بلکه بالای منبر می‌رود و پرده از جهل مردم بر می‌دارد و ایشان را با حقیقت امر آگاه می‌سازد، اتفاقی که با تمسک به خذ الغایات و اترک المبادی (به هدف پرداز و وسائل را رها کن) می‌توانست به گونه‌ای دیگر رقم بخورد.

لذا منطق پیامبر(ص) در دعوت به ایمان، منطق تعقل است، تجربه‌ی تاریخی زندگی رسول اکرم(ص) نیز نشان دهنده‌ی همین امر است، آن حضرت در جریان تبلیغ دین هرگز از تعقل و خرد فاصله نگرفت، بلکه همواره در تبلیغ دین اسلام از این ابزار بس مهم استفاده می نمود. بلکه بالاتر از آن، اصلاً فلسفه‌ی بعثت انبیای الهی زنده کردن تفکر عقلانی و رشد عقلانیت در جوامع انسانی است، با این حال چگونه می توان پذیرفت که چنین شخصیت هایی دست به تحمیق بزند و جهل و غفلت آنان را دست مایه‌ی پیشرفت کار خودشان قلمداد نمایند.

حضرت امیر(ع) در فلسفه‌ی بعثت انبیاء می فرماید: «وَيُثِرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ.» (سید رضی، ۱۴۲۱ ق. خطبه ۱) خداوند متعال انبیا را فرستاد تا دفينه های عقلي انسان ها را بیرون بکشند، کنایه از این که تفکر عقلانی را در جامعه ترویج نمایند. از این رو بر مبلغان دین فرض است که برای نیل به مقام بلند هدایت پر بازده ترین کار، استناد به محکّمات کتاب وسنت و بهره مندی از عقل و عقلانیت است، نه این که با بیان خواب و پاره ای کرامات جعلی و دروغ پردازی چند عارف نما، دست به تبلیغ دین بزنند که مسلماً اسلام از چنین مبلغانی بیزار خواهد بود.

پیامد های عدم توجه به سیره ی تبلیغی رسول اکرم(ص)

یکی از مشکلات تبلیغی ما حوزویان، عدم توجه به شیوه ی تبلیغی سر ول- اکرم(ص) است، نتیجه ی چنین غفلی اینست که به جای آن که به نیازمندان معرفتی و دینی مراجعه نموده و نیاز آنان را رفع کنیم، همانند طبیبان جسمانی در دوران معاصر، منتظر می مانیم تا بیماران به ما مراجعه کنند و پاسخ دینی، معنوی خودشان را دریافت دارند. (ر. ک: حسین دزفولی، شماره ۴۰، ص ۱۷۶) و از آن بدتر این که تبلیغ را و سیله ی کسب و کار و گذران معیشت مادی در نظر بگیریم، همان گونه که پزشکان چنین می کنند. مبلغی که سر لوحه ی افکارش کتاب حق و پیش قراول اعمالش، فعل و قول معصوم است، باید عزم خویش را برای ابلاغ پیام

دین، جزم نموده و پا در رکاب اصلاح نفوس و تربیت مردمان بنهد و چونان نبی مکرم اسلام(ص) که برای پیدا کردن مریض خود در گردش بود، به سراغ بیماران رفته و آنان را به ساحل امن و نجات رساند.

عقل سلیم حکم نمی کند که طیب، بیماری را که مرض در عمق جاننش ریشه دوانیده است به حال خویش رها نماید بلکه همه از طیب انتظار مداوا دارند و چونان پرستاری دلسوز مرهم روحش باشد و از کج مذاقی با وی پرهیز نماید. پیامبر(ص) در مداوای بیماران غفلت زده و مشرکان ره گم کرده، همانند طیبی دلسوز صبورانه به مداوا و علاج مشغول بود، گاهی از طریق حکمت پرده‌ی غفلت را می زدود و گاهی با موعظه‌ی حسنه کفر و نفاق را می درید و گاه با جدال احسن از حق و حقانیت جانب داری می کرد. همو بود که در موسم حج به میان مردم می رفت و ایشان را به دین حق دعوت و از کیش باطل و آیین بت پرستی بر حذر می داشت حتی یاهو سرایی‌های عمومی دیوانه‌اش (ابولهب) که او را مجنون و کذاب، خطاب می کرد مانع عزم انقلابی او برای هدایت مردم نبود. آن بزرگوار، طیب سیاری بود که در صحرای عرفات و منی برای حجاج بت پرست ایام جاهلیت، خود را مؤظف به درمان می نمود.

مولانا جلال الدین بلخی چه خوش سروده است در توصیف طبابت روحی انبیای عظام، آنجا که می فرماید:

ما طیبیانیم شاگردان حق	بحر قلزم دید ما را فانلق
آن طیبیان طبیعت دیگرند	که به دل از راه نبضی بنگرند
ما به دل بی واسطه خوش بنگریم	کز فراست ما به عالی منظریم
آن طیبیان غذایند و ثمار	جان حیوانی بدیشان استوار
ما طیبیان فعالیم و مقال	ملهم ما پرتو نور جلال

نیاز انسان به طیب روحانی، به مراتب بیش از نیاز او به طیب جسم و بدن است؛ زیرا دفع امراض جسمانی برای بقای حیات محدود و مادی اوست، ولی دفع امراض روحی برای درک حیات جاوید است. بشر متمدن امروزه در دنیا پیشرفت‌های چشم‌گیری در زمینه‌ی درمان انواع بیماری‌ها و اقسام امراض داشته است، وجود هزاران مؤسسه و پژوهشکده که به صورت اختصاصی تحقیقات گسترده و دامنه‌داری در زمینه‌ی شناسایی عوامل بیماری‌زا و شناخت طرق درمان آن و ریشه کن ساختنش دارند دلیل روشنی بر این مدعی است. با این‌که از سرعت رشد و سیر تکاملی علم طب نمی‌توان چشم‌پوشی کرد، لیکن این بشر متمدن از شناخت انسان و ابعاد روحی معنوی او بسی ناگاه و جاهل است. بنابراین، در شناخت ملکات روحانی و ردائیل نفسانی، نیاز مبرمی به وحی و آموزه‌های وحیانی دارد و تا از این منبع منحصر به فرد مدد نگیرد توان حل مشکلات روحی و روانی خویش را ندارد. رسول اکرم (ص) از یک‌طرف درد را معرفی نموده و از سوی دیگر دوا را برای بشر معین کرده است و از سوی سوم، شیوه‌ی استفاده و طریقه‌ی استفاده‌ی از دارو را نیز برای بشریت تبیین کرده است و این ما هستیم که بر اساس آموزه‌های آن بزرگوار عمل نمود و مشکلات خودمان را یکی پس از دیگری حل کنیم.

۱. قرآن کریم، با ترجمه مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه، با ترجمه فیض الاسلام، انتشارات فقیه، ۱۴۲۱، تهران.
۳. دزفولی، حسین، کتاب نقد، ۱۳۸۹، شماره ۴۰
۴. شیخ طوسی، الامالی، انتشارات دارالثقافه، بیتا، قم
۵. قربان علی، گلدوست، ترجمان وحی، ۱۳۸۹، شماره ۲۰
۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات الوفاء، ۱۴۰۴ق، لبنان بیروت
۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ مجموعه آثار، انتشارات صدرا، قم، چاپ چهارم
۸. مکارم، شیرازی، ناصر اخلاق در قرآن، انتشارات مدرسه الامام علی (علیه السلام)، ۱۳۷۹، چاپ دوم
۹. نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین، بیتا